

یادداشت ثانی در باره ابیات عربی کلیله بھرام شاہی

وماخذ، وکویندگان آن ابیات

- ۷ -

وانت لو استعرضت صحبتك كلهم وجریت منهم صاحباً بعد صاحب
لما تلق منهم شاهداً مثل شاهدي ولم ترض منهم غائباً مثل غائبي ص ۲۴۶
کوینده این ابیات دلکش را باهمه فحص بلیغی که بنده کرد شناخت . بدان می ماند که
سراینده این ابیات باین اشعار ممتصه بن صمداح نظر داشته است. و بایا بالمکس :

و زهدنی فی الناس معرفتی بهم وطول اختباری صاحباً بعد صاحب
فلم ترنی الايام خلاً يسزني مبادیه ، الاساءنی فی العواقب
ولا قلت أرجوه لدفع ملمة من الدهر الاکان احدی المصائب

شریعی ۱/۲۵۳ - طراز المجالس خفاجی ص ۱۳۶

✧ * ✧

اذا ما أتت من صاحب لك زلة فكن انت محتالاً لزلته عذراً
در باره این بیت این معنی قابل ذکر است که با آنکه در بیش از هفت کتاب مهم این بیت
بسالم بن وابصه اسدی شاعر صدر اسلام نسبت داده شده است ، اخیراً مرحوم محمود سامی پاشا
بارودی شاعر و رجل سیاسی مشهور مصر آنرا در «مختارات» خود بنام «ابی المتاهیه» ثبت کرده
است ! (مختارات ج ۱ ص ۱۰)

✧ * ✧

لكن أتت بين السرور مساعة والمرء يشرق بالالزال البارد
ظاهراً ابی المعالی بسهو یا بعد مصرع اول از يك بیت و مصرع ثانی از بیت دیگری از
«ابی فراس حمدانی» امیر دلیر و شاعر شهیر قرن چهارم را باهم بصورت بیت مانحن فیه در آورده
است و حال آنکه اصل ابیات که در دیوان او آمده چنین است :

قد كنت عدّتي التي اسطوبها ویدی اذا اشتد الزمان و ساعدی
 فرمیت منك بغير ما اقلته والمرء يشرق بالزلزال البارد
 لكن اتت بين السرور مساء وصلت لها ، كف القبول بساعد

ص ۸۷ دیوان چاپ صادر

ان يحسدوني فاني غير لائمهم قبلي من الناس اهل الفضل قد حسدوا ص ۲۵۱
 در باره گوینده این بیت و ابیات ماقبل و مابعد آن خلاف است و بنده برای احتراز از تطویل
 اقوال مختلف را فهرست وار میآورد :

- ۱- مرزبانی در معجم الشعراء ص ۳۴۷ آنرا از «کمیت بن معروف اسدی» دانسته است .
- ۲- ایضاً مرزبانی در همان کتاب ص ۴۱۷ آنرا به «ابی بکر محمد بن عبدالله العرزمی» نسبت داده است .
- ۳- شهاب الدین خفاجی در شرح درة النواص ص ۱۸۳ آنرا بنام بشار بن برد ثبت کسرد* ولی بنده آنرا در دیوان بشار نیافت .

۴- سید مرتضی در امالی (ج ۱ ص ۴۱۴) آنرا از «کمیت بن زید» دانسته است .

۵- وطواط در غرر الخصاص ص ۴۷۶ آنرا بابی تمام نسبت داده است .

۶- دکتر کرنکو طابع و محشی معجم الشعراء در حاشیه ص ۳۴۷ کتاب مزبور این بیت را بنقل از عیون الاخبار ابن قتیبه به «محمد بن عبدالله بن طاهر» نسبت داده است ولی در عیون الاخبار چاپ دارالکتب این بیت بدون ذکر نام گوینده آمده است و گمان میرود منشاء اشتباه دکتر کرنکو و یا کاتب نسخه عیون الاخباری که در تصرف دکتر کرنکو بوده آن باشد که در ص ۳ کتاب «موشی» معروف به «الظرف والظرفا» آمده است و حال آنکه آنچه در «موشی» آمده نیرساند که محمد بن عبدالله بن طاهر خود این بیت را سروده باشد .

۷- در حماسه ص ۱/۱۵۳ و عیون الاخبار ص ۲/۱۰ و زهر الاداب حصری ص ۲۰۲ و

امالی قالی ص ۲/۲۰۱ و شرح انباری بر مفضلیات ص ۴۴۵ و درة النواص حریری ص ۸۶ و شرح اختیارات خالدین از بشار تألیف ابی طاهر برفی ص ۱۴۹ این بیت منفرداً و با ابیات دیگر بدون ذکر نام گوینده آمده است .

فاعلم بانك ما قدمت من عمل يحصى وان الذي خلفت موروث (ص ۲۵۵)

۱- ابن ابیبار قضاعی در حلة السیراء این بیت را بضمیمه بیت دیگری با مختصر اختلاف به «مروان بن حکم اموی» نسبت میدهد (مختصر حلة السیراء ص ۳۸۸)

۲- صاحب «عنوان الادیب» در ص ۱۱۳۱ همان دوبیت را از «حسن بن محمد القلانسی القیروانی» متوفی در سال ۳۲۷ میداند

۳- ابن عبدر به در عقد الفریدج ص ۱۸۴ و شریفی در شرح مقامات ص ۱/۱۵۴ این دوبیت را بدون ذکر نام گوینده آورده اند اینک آن دوبیت :

واعمل وانت من الدنيا على حذر و اعلم بانك بعد الموت مبعوث
واعلم بانك ما قدمت من عمل يحصى عليك وما خلفت موروث

ذوالجهل يفعل ما ذوالعقل يفعله في النائبات ولكن بعدما اقتضحا ص ۲۵۵
گوینده این بیت را نیز نشناختم و بیش از سیصد سال پس از ابی المعالی، ابن عربشاه نیز
با آنکه مقید است نام شاعرانی را که به شعر آنان استشهاد می کند بیآورد این بیت را بدون ذکر
نام گوینده آورده است (ص ۱۱۶ عجائب المقذور)
و ظاهراً قول به انتساب آن به «متنبی» گفته واهی است.

□ □ □

(والمرء يعجز لا المحالة) ص ۲۷۰

مصرع اخیر بیت مطلع مقطوعه است از « ابی دؤاد ابادی » شاعر بسیار قدیم جاهلی که
اشعار و قصاید او در وصف اسب در نوع خود در طراز اول قرار دارد . مقطوعه را که مصرع
ما نحن فيه سطر اخیر بیت اول آنست ابی دؤاد در پاسخ زن خویش که او را بر جود و سخایش
سرزنش کرده بود سروده است و بیشتر ابیات و مصاریع آن در حکم امثال سائره است و در کتب
امثال آمده است و اینک بیتی چند از آن :

حاولت حين صر مني والمرء يعجز لا المحالة
والعبد يقرع بالعصا والحرّ تكفيه المقالة
والدهر يلعب بالفتى والدهر اروع من ثعالة
والمرء يكسب ماله والتّح يورثه الكلاله

(اغانی ج ۱۵ ص ۹۶)

و بی شک خوانندگان توجه دارند که قصیده (بزید بن مفرغ) در هجو (عباد بن زیاد) والی
خراسان که ذکر آن بمناسبت (آبست و بیبذست سمیه روسپیذست) در کتب ادب فارسی مکرر
آمده است در اقتفاء از همین مقطوعه (ابی دؤاد) سروده شده و بعضی ابیات آن از قبیل بیت:

العبد يقرع بالعصا والحرّ يكفيه الملامه
لفظاً و معنی از قصیده ابی دؤاد تضمنین یا سرقت شده است .

(هون عليك ولا تولع باشفاق فأنما مالنا للوارث الباقي)

ص ۲۷۰

در گوینده این بیت که جزو مقطوعه شش بیتی است و بعضی ابیات آن از شواهد نعاة است
مین اکابر مؤلفان سلف خلاف است :

۱ - مفضل ضبی آنرا در جمله قصاید مختارۀ خود (بردیف ۸۰) آورده و به (شأس بن نهار عبیدی معروف به «ممزق») نسبت داده است و سید نیز در (انوار الربیع) این قول را اختیار کرده است . (ص ۱۵۶ - انوار)

۲ - « ابن قتیبة » در (الشعر والشعراء ص ۳۴۵) و « انباری » در (شرح مفضلیات ص ۶۰۰) بنقل از ابی عبیده و « بکری » در (لثالی ص ۷۱۳ - ۷۱۴) و « عسکری » در (جمهرت الامثال ص ۲۵۶ حاشیة میدانی) و « مرزبانی » در معجم الشعراء ص ۴۹۵) و « ابن عبد ربہ » در (عقدا الفرید ج ۳ ص ۲۴۴) این ابیات را به (یزید بن خذاق شنی) نسبت داده اند .

۳ - « محمد بن سلام جمحی » در (طبقات ص ...) این ابیات را بدون نسبت آورده و تصریح کرده است که : (... وقد اختلف فی القائل ...) .

○ * ○

(ان تلقه حدثا فی السن مقبلا فأنه نصف فی الرأی مكتهل)

ص ۲۷۱

همچنانکه مرحوم امیر نظام گفته و آقای حسن زاده هم در چاپ خود آنرا نقل کرده است این بیت از (بختری) است . این بیت که از جامع دیوان بختری (در هر سه چاپی که از آن دیده‌ام) فوت شده است در کتاب (المختار من دواوین المثنی والبحتری و ابی تمام) تألیف قاضی عبدالقاهر جرجانی بنام بختری ثبت شده است . (المختار ص ۲۶۸) .

باقی دارد

دو رباعی

این بار ای غم چه باشکوه آمده‌ئی
دریا دریا و کوه کوه آمده‌ئی
دیدم که نبی حریف من تنهایی
تنها رفتی و با گروه آمده‌ئی

۴

ای آنکه از این و آن وفا می‌خواهی
سیمرغ نبود و کیمیا بود دروغ
یعنی سیمرغ و کیمیا می‌خواهی
نا بود و دروغ را چرا می‌خواهی؟